

April-May 2022, Volume 10, Issue 1

[10.22034/IJPN.10.1.87](https://doi.org/10.22034/IJPN.10.1.87)

## The Relationship between Maternal Reflective Function and Feeding Strategies in Preschool Children of Qazvin

Zahra Keshavarz Tork<sup>1</sup>, Afsaneh Alizadeh Asli<sup>2</sup>, Mahmoud Bahramkhani<sup>3\*</sup>

1- MA in Psychology, Department of Psychology, Buinzahra Branch, Islamic Azad University, Buinzahra, Iran.

2- Ph.D in Psychology, Department of Psychology, Buinzahra Branch, Islamic Azad University, Buinzahra, Iran.

3- Ph.D in Clinical Psychology, Clinical Research Development Unit, 22 Bahman Hospital, Qazvin University of Medical Sciences, Qazvin, Iran.

**Corresponding Author:** Mahmoud Bahramkhani, Ph.D in Clinical Psychology, Clinical Research Development Unit, 22 Bahman Hospital, Qazvin University of Medical Sciences, Qazvin, Iran.

**Email:** [m.bahramkhani@gmail.com](mailto:m.bahramkhani@gmail.com).

Received: 20 Feb 2022

Accepted: 19 April 2022

### Abstract

**Introduction:** Children's eating behaviors are a very important issue that concerns many parents. The role of the mother in understanding the child's feelings and feeding strategies is one of the most important issues of mother-child interaction. Therefore, the aim of this study was to determine the relationship between reflective function and feeding styles of mothers of preschool children in Qazvin.

**Methods:** The present study is a correlational study. The statistical population of the study consists of mothers with children aged 0 to 5 years in Qazvin. To conduct the research, 163 participants were selected using a voluntary sampling method. The research instruments included the Parental Reflective Functioning Questionnaire (PRFQ) and Instrument for the identification of parental feeding strategies (ISS). Research data were analyzed using canonical correlation analysis.

**Results:** Two dimensions were identified. The first dimension was strongly influenced by the pre-metallization and interest-curiosity subscales of maternal reflective function and the pressing, rewarding, and modeling subscales of the feeding styles. The second dimension was influenced by certainty and interest-curiosity subscales of maternal reflective function and modeling, monitoring, child's control, pressing, and restriction subscales of the feeding styles.

**Conclusions:** The maternal reflective function plays an important role in determining her feeding styles. If mothers have a better reflective function, they will use more functional methods to interact with the child in relation to nutrition and will show more flexibility in these methods.

**Keywords:** Maternal Reflective Function, Feeding Styles, Preschool Children.



## ارتباط عملکرد انعکاسی با سبک های غذا دادن مادران کودکان پیش دبستانی شهر قزوین

زهرا کشاورز ترک<sup>۱</sup>، افسانه علیزاده اصلی<sup>۲</sup>، محمود بهرامخانی<sup>۳\*</sup>

۱- کارشناسی ارشد روانشناسی عمومی، گروه روانشناسی، واحد بوئین زهرا، دانشگاه آزاد اسلامی، بوئین زهرا، ایران.

۲- استادیار روانشناسی تربیتی، گروه روانشناسی، واحد بوئین زهرا، دانشگاه آزاد اسلامی، بوئین زهرا، ایران.

۳- استادیار گروه روانپزشکی، واحد توسعه تحقیقات بالینی، بیمارستان ۲۲ بهمن، دانشگاه علوم پزشکی قزوین، قزوین، ایران.

**نویسنده مسئول:** استادیار گروه روانپزشکی، واحد توسعه تحقیقات بالینی، بیمارستان ۲۲ بهمن، دانشگاه علوم پزشکی قزوین، قزوین، ایران.  
**ایمیل:** m.bahramkhani@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۲/۱ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱/۳۰

### چکیده

**مقدمه:** رفتارهای غذایی کودکان موضوع بسیار مهمی است که بسیاری از والدین را درگیر می کند. نقش فهم مادر از احساسات کودک و شیوه های غذا دادن او از موضوعات مهم تعامل مادر-کودک است. به همین دلیل پژوهش حاضر با هدف تعیین رابطه عملکرد انعکاسی با سبک های غذا دادن مادران کودکان پیش دبستانی شهر قزوین انجام شد.

**روش کار:** پژوهش حاضر از نوع همبستگی می باشد. جامعه آماری پژوهش را مادران دارای کودک ۰ تا ۵ سال شهر قزوین تشکیل می دهد. برای انجام پژوهش با استفاده از روش نمونه گیری داوطلبانه تعداد ۱۶۳ نفر انتخاب شد. ابزارهای پژوهش شامل پرسشنامه های عملکرد انعکاسی مادر (PRFQ) و سبک های غذا دادن مادر به کودک (ISS) بود. داده های پژوهش با استفاده از تحلیل همبستگی کانونی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

**یافته ها:** دو کانون اصلی شناسایی شد. کانون اول به شدت تحت تأثیر خرده مقیاس های پیش ذهنی سازی و علاقه و کنجکاوی از عملکرد انعکاسی مادر و خرده مقیاس های فشار آوردن، پاداش دادن و الگوسازی از سبک غذا دادن قرار دارد. کانون دوم، تحت تأثیر اطمینان و علاقه و کنجکاوی از عملکرد انعکاسی و الگوسازی، پایش، کنترل، فشار آوردن و محدودسازی از سبک های غذا دادن قرار دارد.

**نتیجه گیری:** عملکرد انعکاسی مادر نقش به سزایی در تعیین شیوه های غذا دادن او به کودک دارد. در صورتی که مادران عملکرد انعکاسی بهتری داشته باشند از روش های کارآمدتر برای تعامل با کودک در ارتباط با تغذیه استفاده می کند و انعطاف بیشتری در این روش ها از خود نشان می دهد.

**کلیدواژه ها:** عملکرد انعکاسی مادر، سبک های غذا دادن، کودکان پیش دبستانی.

### مقدمه

از این زمان ها تحمیل می کند (۱). بافت رابطه مادر-کودک در شکل گیری رفتارها و ترجیحات غذایی کودکان نقش بسیار زیادی ایفاء می کند. در این رابطه سبک فرزندپروری والدین و در همین راستا سبک غذا دادن مادر به کودک بسیار مورد تأکید و توجه روان شناسان و پژوهشگران بوده است. به همین خاطر اعتقاد بر این است که سبک فرزندپروری و غذا دادن نقش بسیار حائز اهمیتی در رشد جسمانی، اجتماعی، شناختی و رفتاری و بهزیستی روانی و حتی در شکل دهی ترجیحات غذایی، رژیم غذای و رفتارهای تغذیه کودک از

شیوع چاقی و اضافه وزن در میان کودکان ۰ تا ۵ سال افزایش یافته و همچنان رو به افزایش است. غذا دادن اغلب منبع تعارض زیادی برای والدین است. هنگامی که کودکان رفتارهای مشکل آفرین از خود بروز می دهند، وعده های غذایی را مختل کرده و تلاش والدین برای دادن غذاهای سالم را پیچیده می کند. رفتارهای خوردن رایجی در کودکان هست که چالش های زیادی به مراقبین کودک چه هنگام وعده های غذای چه خارج

## زهرا کشاورز ترک و همکاران

مادر بر خوردن زیاد توسط کودک ۴- پاداش دادن: استفاده از خوراکی به عنوان پاداش برای خوردن غذا ۵- کنترل توسط کودک: اجازه دادن به کودک برای کنترل غذایی توسط خودش ۶- الگوسازی: الگو شدن عمدی والدین برای کودک در زمینه خوردن غذا.

سبک‌ها غذا دادن ناکارآمد از جمله مستبدانه، سهل‌گیرانه و بی‌توجه یا اعمال غذا دادن مادر مثل محدودسازی، پایش زیاد، اجبار، پاداش دادن معمولاً با رفتارهای غذایی و وضعیت وزنی ناهنجار و سبک مقتدرانه و اعمال غذا دادن کنترل توسط خود کودک و الگوسازی با رفتارهای غذایی و وضعیت وزنی بهنجار در کودک ارتباط دارند (۷-۹). برخی مطالعات نشان داده‌اند که بین سبک‌های غذا دادن مادر و رفتارهای خوردن کودکان رابطه وجود دارد (۱۰-۱۳).

عوامل متعددی می‌تواند سبک فرزندپروری و به تبع آن سبک غذا دادن والدین به ویژه مادر بر کودک را تحت تأثیر قرار دهد. برخی عوامل نقش میانجی و برخی نقش زمینه‌ای در رابطه سبک غذا دادن و رفتارهای غذایی کودکان ایفاء می‌کنند. در همین راستا عملکرد انعکاسی مادر می‌تواند یکی از عوامل بسیار تأثیرگذار بر سبک غذا دادن کودکان داشته باشد. این اصطلاح را اولین بار پیتر فانگی و بیتمن ابداع کردند. کارکرد انعکاسی (PRF) به ظرفیت ضروری انسان برای فهم رفتار در پرتو حالت‌های ذهنی اساسی و ضروری اشاره دارد (۱۴). به معنای دیگر کارکرد انعکاسی، یا ذهنی‌سازی به «توانایی فرد برای نگه داشتن حالت‌های ذهنی دیگران در ذهن خود» اشاره دارد (۱۵). این ظرفیت به افراد اجازه می‌دهد که هم خود و هم دیگران را به لحاظ حالت‌های ذهنی درک کنند، در نتیجه آنها را معنی‌دار، قابل‌فهم و قابل‌پیش‌بینی می‌کند. این ظرفیت برای کارکرد انعکاسی همچنین وسیله‌ای برای توانایی ما در هدایت جهان پیرامون است (۱۵). نظریه ذهنی‌سازی با الهام از نظریه‌های اصلی روانکاوی به ویژه نظریه دلبستگی توسعه پیدا کرده است و به رابطه مادر-کودک با تأکید بیشتری توجه می‌کند. مفهوم ذهنی‌سازی یا عملکرد انعکاسی فانگی و بیتمن طبق تعریف به مفاهیم گنجایش وینیکات و عالم خیال بیون شباهت زیادی دارد. از نظر وینیکات مادر باید بتواند احساسات و حالت‌ها و تجارب ذهنی کودک را از طریق ارتباط هیجانی درک می‌کند و رفتارها و احساسات خودش را متناسب با آنها هماهنگ می‌کند دارای توانایی گنجایش هست و در واقع یک ظرفی وجود

جمله‌موردی که در بالا اشاره شد بسیار تأثیرگذار هستند. در واقع این تجارب اولیه فرزندپروری و تغذیه می‌تواند پایه و اساس رفتارها و عادت‌های غذایی کل عمر فرد را تشکیل دهد که به نوبه خود می‌تواند قوی‌ترین پیش‌بین‌های مرتبط با مشکلات سلامت طولانی‌مدت از جمله چاقی، دیابت، بیماری قلبی عروقی، سرطان و مشکلات روانشناختی از جمله اعتماد به نفس پایین، پرخوری یا کم‌خوری عصبی، روابط مشکل‌دار و ... باشد (۲).

والدین به شکل‌های مختلفی بر رفتارهای خوردن کودکان تأثیر می‌گذارند. مهم‌ترین عامل مرتبط با والدین شیوه‌های فرزندپروری آنهاست. شیوه‌های فرزندپروری بافت کلی ایجاد می‌کند که هم فضای هیجانی رابطه والد-کودک را می‌سازد هم روشی که والدین بر رفتارهای فرزند خود تأثیر می‌گذارد را تعیین می‌کند. در همین راستا رفتارها و سبک‌های غذا دادن والدین به کودک و رسیدگی به مسائل تغذیه کودک بسیار متأثر از شیوه‌های فرزندپروری است. برخی از اعمال رسیدگی به غذا خوردن کودک توسط والدین از یک سبک کلی تبعیت می‌کنند. در این چارچوب رفتارهای والد یک هدف مشخص و خاصی را دنبال نمی‌کند. به طور کلی در همین راستا چهار سبک غذا دادن متناسب با شیوه‌های فرزندپروری شناسایی شده است: (۱) سبک مقتدرانه: در این روش والدین توقع بالایی از کودک در زمینه خوردن دارند و از طرف دیگر در برابر خواسته‌ها و نیازهای کودک نیز بسیار پاسخگو هستند (۲) سبک مستبدانه: در این روش والدین توقع بالایی از کودک داشته در حالی که نسبت به نیازهای کودک زیاد پاسخگو نیستند (۳) سهل‌گیرانه: در این روش والدین توقعات پایینی از کودک دارند در عین حال در برابر نیازها و خواسته‌های او بسیار پاسخگو هستند (۴) بی‌توجه: در این روش والدین نه توقعی از کودک در زمینه تغذیه و غذا خوردن دارند نه خیلی به خواسته‌ها و نیازهای غذایی او توجه می‌کنند (۳، ۴). برخی از اعمال غذا دادن والدین به کودک به صورت مستقیم و خاص با هدف مشخصی صورت می‌گیرد. برای مثال اگر کودک غذایی که والد درخواست می‌کند استفاده کند خوراکی دیگری را به عنوان پاداش به او می‌دهد (۵). به طور کلی تاکنون شش روش غذا دادن والدین به کودک مشخص شده است (۳، ۵، ۶). این روش‌ها عبارتند از: ۱- محدودسازی: کنترل زیاد غذای کودک توسط مادر ۲- پایش: مراقبت زیاد از خوردن کودک ۳- فشار آوردن: اصرار

دارد تحت عنوان ذهن و روان مادر یا اصطلاحاً گنجاینده که توانایی تفکر و درک دارد و یک مظلومی وجود دارد تحت عنوان احساسات و تجارب درونی کودک یا اصطلاحاً گنجانده شده که احساسات خام درک نشده را از طریق مکانیزم فراقنی در ظرف مادر قرار می دهد و مادر با توانایی فکر کردن آنها را درک کرده و در اندازه های کوچک و قابل تحمل به او برمی گرداند. بیون مواد خام درون کودک را عناصر بتا و مواد هضم شده توسط مادر را عناصر آلفا نامگذاری کرده است و این فرایند را آلفاسازی می نامد. ظرفیت ذهنی و روانی مادر برای هضم را نیز عالم خیال در نظر می گیرد. در همین راستا فانگی و بیتمن معتقدند اگر مراقب کودک نسبت به حس ها و حالت های درونی کودک حساس بوده و به آنها پاسخ مناسب بدهد کودک از طریق این درک شدن متوجه می شود که ذهن او مثل یک آینه صرفاً منعکس کننده دنیای بیرون نیست بلکه ذهن او دارای توانایی تفسیر رویدادهاست. در این حالت است که او می تواند در سایه عملکرد انعکاسی و ذهنی سازی مادر حس منسجم و یکپارچه ای از خویشتن درونی کند (۱۴). نتایج برخی از مطالعات حاکی از آن است که بین توانایی ذهنی سازی و آسیب شناسی خوردن رابطه وجود دارد (۱۶-۱۹). مطالعات اندکی نیز در زمینه رابطه عملکرد انعکاسی مادر و رفتارهای خوردن کودکان انجام شده است. در این مطالعات مشخص شده است که بین این دو متغیر رابطه معناداری وجود دارد، به عبارتی در صورتی که مادران عملکرد انعکاسی بالاتری داشته باشند، کودکان آنها مشکلات خوردن کمتری را تجربه می کنند (۲۰). هدف مطالعه حاضر بررسی رابطه عملکرد انعکاسی مادر با سبک های غذا دادن او به کودکان پیش دبستانی است.

## روش کار

پژوهش حاضر از نوع کاربردی است و روش پژوهش از نوع همبستگی. جامعه آماری پژوهش را تمامی والدین دارای کودک ۰ تا ۵ سال شهر قزوین (شامل ۷۴ دختر و ۸۹ پسر) تشکیل می دهد. برای انجام پژوهش با استفاده از روش نمونه گیری هدفمند تعداد ۱۶۳ شرکت کننده انتخاب شد. حجم نمونه با توجه به ضریب همبستگی مطالعات پیشین و در نظر داشتن قدرت آزمون ۹۵ درصد و سطح معناداری ۵ صدم با استفاده از نرم افزار جی پاور ۱۳۶ نفر به دست آمد که با اضافه کردن احتمال ۲۰ درصد ریزش شرکت

کننده ها به حجم نهایی ۱۶۳ نفر افزایش یافت. معیار ورود شامل مادران دارای کودک ۱ تا ۵ و معیارهای خروج شامل مادران دارای کودک استثنایی (کم توان و ...) وجود مشکلات شدید جسمانی در کودکان و مادران دچار مشکلات حاد روانپزشکی بود. ابزارهای پژوهش به شرح زیر بود: پرسشنامه کارکرد انعکاسی والدین توسط لایتون، مایس، نیجسنس، و فانگی (۱۵) برای ارزیابی جهت گیری کلی والدین نسبت به فرزندپروری و ۱۰ مورد از باورهایشان در رابطه با عواطف و تجربیات ذهنی درونی فرزندانشان، ابداع شد.

به دلیل توجه ویژه به نقش PRF در انتقال دلبستگی بین نسلی در اوایل کودکی، در درجه اول برای والدین کودکان ۵-۰ سال طراحی شده است، زمانی که ارتباط بین مادر و نوزاد به طور عمده غیر کلامی است، و توانایی حساس بودن و پاسخگویی به نشانه های هیجانی نوزاد می تواند در رشد عاطفی-اجتماعی بعدی کودک مهم باشد. این پرسشنامه متشکل از ۱۸ گویه است که ابزار ارزیابی کوتاه و چند بعدی است که، هدف آن دریافت سه خرده مقیاس از ویژگی های اصلی PRF است: ۱- انکار یا دفاع در برابر ذهنی سازی ۲- اطمینان درباره حالت های ذهنی ۳- علاقه و کنجکاوی در حالت های ذهنی. هر خرده مقیاس از ۶ گویه تشکیل شده است که هر گویه با مقیاس ۷ درجه ای لیکرت نمره گذاری می شود. گویه های ۱۱ و ۶ برعکس نمره گذاری می شود و سپس میانگین ۶ گویه محاسبه می شود (۱۵). پرسشنامه راهبردهای غذا دادن مادر به کودک توسط کرولر و وارشیورگر (۵) با استفاده از آیتم های پرسشنامه های CFQ (۶) و CFSQ (۳) و نیز آیتم هایی با استفاده از مصاحبه با مادران و متخصصین ساخته شده است. این پرسشنامه در نمونه ای بالغ بر ۱۶۳ مادران دارای کودکان پیش دبستانی پایایی خوبی را نشان داد. در یک گروه فرعی ۳۵ نفری مادران که ۱۴ روز پس از اولین اجرا مجدداً این پرسشنامه را تکمیل کردند، پایایی بازآزمایی متوسطی برای خرده مقیاس های آن به دست آمد. این پرسشنامه ۶ خرده مقیاس را می سنجد: محدودسازی، پایش، اجبار، پاداش دادن، کنترل کودک، و الگوسازی. آلفای کرونباخ به ترتیب برای هر کدام از این مقیاس ها ۰/۷۵، ۰/۹۳، ۰/۸۴، ۰/۷۷، ۰/۷۳، ۰/۷۷ و پایایی بازآزمایی برای تمام خرده مقیاس ها به استثنای خرده مقیاس الگوسازی به ترتیب ۰/۴۱، ۰/۷۸، ۰/۵۷، ۰/۴۴ به دست آمد. تمام خرده مقیاس ها

## زهرا کشاورز ترک و همکاران

پرسشنامه‌ها ارائه شده بود. اطلاعات جمع آوری شده با استفاده از پرسشنامه وارد برنامه نرم افزاری SPSS شد و سپس از روش‌های آماری توصیفی از جمله میانگین، انحراف معیار، کجی، کشیدگی و ... تلخیص و بررسی شد. توزیع داده‌های پژوهش با استفاده از آزمون کالماگروف-اسمیرنوف بررسی شد و سپس فرضیه‌های پژوهش با استفاده از آزمون همبستگی کانونی مورد بررسی قرار گرفت.

### یافته‌ها

میانگین، انحراف معیار، کمینه، بیشینه، کجی و کشیدگی نمره‌های افراد شرکت کننده پژوهش برای هر یک از متغیرهای پژوهش در (جدول ۱) آمده است.

سبک‌های غذا دادن را بر اساس مقیاس لیکردت ۵ درجه‌ای اندازه می‌گیرند که نمرات بالا حاکی از فراوانی بیشتر آن راهبرد خاص می‌باشد.

به خاطر شیوع بیماری کرونا پرسشنامه در Google Docs طراحی شد و لینک مربوط به آنها استخراج گردید و در اختیار افراد نمونه قرار گرفت. برای گردآوری اطلاعات ابتدا شهر قزوین به چهار قسمت شمال شرقی، شمال غربی، جنوب شرقی و جنوب غربی تقسیم شد. سپس جهت جمع آوری اطلاعات، افراد مورد هدف مطالعه با مراجعه به مراکز عمومی شناسایی شد. در صورت داشتن ملاک‌های ورود و خروج و تمایل افراد شماره همراه یا ایمیل آنها اخذ گردید و لینک مربوط به پرسشنامه‌ها برای او فرستاده شد. تمام توضیحات مربوط به پژوهش در ابتدای

جدول ۱. شاخص‌های توصیفی متغیرهای پژوهش (n=۱۶۳)

متغیرها	خرده مقیاس‌ها	میانگین	انحراف معیار	کمینه	بیشینه	کجی	کشیدگی
عملکرد انعکاسی مادر	اطمینان	۲۴/۱	۶/۸۴	۷/۴۵	۳۷/۰۹	-۰/۰۶	-۰/۰۴
	پیش‌ذهنی‌سازی	۲۶/۳	۶/۷۲	۱۰/۸۲	۴۳/۵۶	۰/۰۱	-۰/۰۳
	علاقه و کنجکاوی	۲۵/۶۶	۴/۸۹	۱۳/۱۸	۳۶/۹۶	۰/۰۴	-۰/۰۲۶
	محدودسازی	۲/۶۱	۴/۹۹	-۱۰/۴	۱۱/۹۹	-۰/۰۸	-۰/۰۲۱
سبک‌های غذا دادن مادر به کودک	پاداش دادن	۱۳/۹۱	۳/۵۴	۵/۲۸	۲۰/۶۲	-۰/۰۳	-۰/۰۲۱
	فشار آوردن	۱۰/۴۱	۲/۷۲	۴/۵۵	۱۵/۷۷	-۰/۰۱	-۰/۰۱۱
	پایش	۱۱/۱۸	۲/۴۴	۴/۷	۱۵/۱۶	-۰/۰۱۶	-۰/۰۲۴
	کنترل کودک	۱۰/۷۷	۱/۹۵	۵/۷۵	۱۴/۹۴	-۰/۰۲	-۰/۰۲
الگوسازی	۸/۲۷	۱/۲۱	۵/۰۵	۹/۸	-۰/۰۱۲	-۰/۰۱۷	

جهت بررسی رابطه دو به دوی بین متغیرهای پژوهش از ضریب همبستگی پیرسون استفاده شد. نتایج حاصل از این بررسی در (جدول ۲) ارائه شده است.

جدول ۲. همبستگی بین متغیرهای پژوهش (n=۱۶۳)

اطمینان	پیش‌ذهنی‌سازی	علاقه و کنجکاوی	محدودسازی	پاداش دادن	فشار آوردن	پایش	کنترل کودک	الگوسازی
۱								
	۱							
	-۰/۰۲	۱						
	۰/۴۳**	-۰/۲۹**	۱					
	۰/۱	۰/۱	۰/۰۱	۱				
	-۰/۰۹	**۰/۲۳	-۰/۰۷	۰/۳۴**	۱			
	-۰/۱۲	۰/۲۷**	-۰/۰۸	-۰/۱۹*	۰/۳۸**	۱		
	-۰/۱۸*	-۰/۰۳	-۰/۲۳**	-۰/۳**	۰/۱۵*	۱		
	-۰/۱۹*	-۰/۰۲	-۰/۰۳	-۰/۲**	-۰/۰۲	-۰/۰۲	۱	
	۰/۲۴**	-۰/۱۵*	-۰/۲۸**	-۰/۰۲	-۰/۰۰۵	-۰/۰۳	۰/۲۳**	۱

آزمون تحلیل واریانس برای معناداری مدل رگرسیونی کانونی نشان داد که مدل مورد نظر معنادار است (جدول ۳) مقادیر خلاصه مدل همبستگی کانونی نشان می دهد.

جدول ۳. خلاصه ابعاد همبستگی (n=۱۶۳)

تابع	مقدار ویژه	همبستگی کانونی	مجذور همبستگی	لامبدای ویلکز	F	DF فرضیه	df خطا	سطح معناداری
۱	۰/۱۷	۰/۳۸	۰/۱۴	۰/۷۳	۲/۷۷	۱۸	۴۳۶/۰۶	۰/۰۰۰۱
۲	۰/۱۳	۰/۳۴	۰/۱۱	۰/۸۶	۲/۳۵	۱۰	۳۱۰	۰/۰۱۱
۳	۰/۱۲	۰/۱۴	۰/۰۱	۰/۹۸	۰/۷۸	۴	۱۵۶	۰/۵۳

۱۴ و ۱۱ درصد از واریانس متغیرهای ملاک توسط مجموعه متغیرهای پیش بین تبیین می شود. این در حالی است که سایر ابعاد همبستگی بنیادی معنادار نبودند.

نتایج (جدول ۳) نشان می دهد که دو ریشه از لحاظ آماری در سطح ۰/۰۵ معنادار است. مقدار همبستگی کانونی بین مجموعه متغیرهای ملاک و پیش بین برای ابعاد ۱ و ۲ به ترتیب عبارتند از  $Re1 = 0/38$  و  $Re2 = 0/34$  که به ترتیب

جدول ۴. همبستگی کانونی متغیرهای پیش بین و ملاک (n=۱۶۳)

متغیرها	ابعاد		اولین متغیر کانونی		دومین متغیر کانونی	
	بار عاملی	ضریب استاندارد	بار عاملی	ضریب استاندارد	بار عاملی	ضریب استاندارد
پیش بین	اطمینان	-۰/۰۱	-۰/۳	۰/۹۶	۰/۸۴	
	پیش ذهنی سازی	-۰/۸۵	-۰/۶۸	۰/۰۹	۰/۲	
	علاقه و کنجکاوی	۰/۶۷	۰/۶	۰/۵۸	۰/۲۷	
	محدودسازی	-۰/۲۹	-۰/۲۵	۰/۳۴	۰/۲۱	
	پاداش دادن	-۰/۵۸	-۰/۳۸	۰/۲۹	۰/۰۹	
	فشار آوردن	-۰/۷۱	-۰/۵۵	۰/۴۱	۰/۲۹	
	پایش	۰/۲۴	۰/۳۵	۰/۶۲	۰/۲۷	
ملاک	کنترل کودک	-۰/۰۳	-۰/۲	۰/۴۸	۰/۴۱	
	الگوسازی	۰/۵۱	۰/۴	۰/۷۳	۰/۵۴	

(۰/۴۸)، فشار آوردن (۰/۴۱) و محدودسازی (۰/۳۴) می باشد. اطلاعات (جدول ۴) حاکی از آن است که بر اساس کانون اول با کاهش ۸۵ درصد پیش ذهنی سازی و افزایش ۶۷ درصد علاقه و کنجکاوی مادران به ذهنی سازی از روش های غذا دادن فشار آوردن و پاداش دادن به ترتیب به میزان ۷۱ و ۵۸ درصد کمتر استفاده می کنند و به میزان ۵۱ درصد از روش الگوسازی بیشتر استفاده می کنند.

بر اساس کانون دوم با افزایش ۹۶ درصد اطمینان و ۵۸ درصد علاقه و کنجکاوی مادران به ذهنی سازی از سبک های الگوسازی، پایش، کنترل، فشار آوردن و محدودسازی به ترتیب به میزان ۷۳، ۶۲، ۴۸، ۴۱ و ۳۴ درصد بیشتر استفاده می کنند.

ملاک ۰/۳ به عنوان نمره برش برای بارگزاری در نظر گرفته شد و بارهای مؤلفه های بیش از ۰/۳ جهت شناسایی روابط بین متغیرها بررسی شدند. (جدول ۴) ضرایب استاندارد شده (ضرایب نیمه تفکیکی) و بارهای عاملی (همبستگی ساختار) را برای دو بُعد هر دو مجموعه از متغیرها (پیش بین و ملاک) نشان می دهد. برای متغیرهای پیش بین، اولین بُعد کانونی به شدت تحت تأثیر پیش ذهنی سازی (۰/۸۵-) و علاقه و کنجکاوی (۰/۶۷-)، قرار دارد. در بُعد دوم کانونی، متغیرهای پیش بین تحت تأثیر اطمینان (۰/۹۶) و علاقه و کنجکاوی (۰/۵۸) قرار دارد.

برای متغیرهای ملاک، اولین بُعد شامل متغیرهای فشار آوردن (۰/۷۱-)، پاداش دادن (۰/۵۸-) و الگوسازی (۰/۵۱) و دومین بُعد شامل الگوسازی (۰/۷۳)، پایش (۰/۶۲)، کنترل

به عنوان یک الگو نقش ایفاء نمی کنند تا کودک بتواند با آنها همانندسازی کند.

از طرفی ترکیب متغیرهای کانون دوم حاکی از آن است که وقتی مادران به درک و شناخت احساسات و تجارب ذهنی کودک شان علاقه دارند و در مورد آنها کنجکاو هستند به ویژه اینکه توانایی انعکاسی دارند و نسبت به درک و فهم خودشان از حالات ذهنی کودک اطمینان دارند اصولاً از اکثر سبک های غذا دادن به کودک استفاده می کنند. به عبارتی در استفاده از شیوه های مختلف غذا دادن انعطاف به خرج می دهند. در واقع چنین مادرانی افرادی هستند که نسبت به احساسات و حالات ذهنی خود و کودک آگاه هستند و به صورت مکانیکی و خودکار با تغذیه کودک برخورد نمی کنند و متناسب با شرایط و حالات کودک ممکن است سبک و استراتژی خود را تغییر دهند.

توانایی عملکرد انعکاسی مادر در واقع به این موضوع بر می گردد که مادر بتواند احساسات کودک را درست تشخیص داده و متناسب با آنها رفتار کند. مثلاً وقتی کودک گرسنه است این حالت ذهنی و جسمی او را تشخیص داده و او را تغذیه کند و این حالت را با حالت سردی، گرمی، اضطراب و احساسات دیگر بتواند تمیز دهد. مادری که توانایی خواندن درست احساسات و حالت های ذهنی کودک را ندارد و به لحاظ هیجانی در دسترس نیست ممکن است هر احساس کودک را به گرسنگی ترجمه کند. در این صورت تنها یک اقدام برای مادر در دسترس است و آن هم غذا دادن به کودک است. در نتیجه هیچ انعطافی در سبک غذا دادن به کودک در او وجود نخواهد داشت. به دلیل عدم تشخیص صحیح احساسات کودک و به موازات آن عدم تشخیص صحیح احساسات خود کمتر از روش هایی مثل الگو شدن برای کودک در خوردن روی می آورد. به خاطر اینکه سبک هایی مثل الگو شدن از جمله روش هایی است که نیاز به آگاهی و درک بالایی دارد. مادری که به خوبی به احساسات خود و کودک آگاه نیست بیشتر انتظار می رود از روش های ناکارآمد غذا دادن به کودک استفاده کند. در این حالت کودک نیز این مجموعه از رفتارها و تجربه ها را درونی کرده و در هر حالت و احساسی حتی در بزرگسالی به خوردن روی می آورد. به خاطر اینکه قادر نیست احساسات و حالت های درونی خود را درست تشخیص داده و اقدام مناسبی در برابر آن انجام دهد.

مادرانی که دارای سبک دلبستگی ناایمن هستند و توانایی

هدف پژوهش حاضر بررسی رابطه بین توانایی عملکرد انعکاسی و سبک های غذا دادن او به کودک در شهر قزوین بود. یافته های پژوهش نشان داد که در حالت کلی بین عملکرد انعکاسی مادر و شیوه ها و رفتارهای غذا دادن او به کودک رابطه وجود دارد. این یافته ها با یافته های پژوهش های گذشته همسو است (۱، ۱۹-۲۳).

مروری بر مطالعات گذشته در زمینه سبک های غذا دادن مادر به کودک و توانایی عملکرد انعکاسی او نشان می دهد که اکثر مطالعات بیشتر بر بررسی رابطه بین سبک های غذا دادن و مشکلات خوردن و رفتارهای غذایی کودکان تمرکز کرده اند. در واقع هدف مطالعات قبلی کمتر بر رابطه توانایی عملکرد انعکاسی مادر با سبک های غذا دادن مادر به کودک معطوف بوده است. در میان گودمن و همکاران (۱) به بررسی نقش میانجی ذهن آگاهی مادر میان مشکلات خوردن کودکان و سبک های فرزندپروری پرداختند. نتایج پژوهش آنها نشان داد که سبک مقتدرانه با میزان بالاتری از غذا دادن ذهن آگاهانه مرتبط است، در حالی که سبک مستبدانه و سهل گیرانه با میزان پایین تری از غذا دادن ذهن آگاهانه مرتبط بود. غذا دادن ذهن آگاهانه در رابطه بین تمام سبک فرزندپروری و تمام رفتار غذایی کودک نقش میانجی داشت.

روستاد و وایتاگر (۲۳) طی مطالعه رابطه بین عملکرد انعکاسی مادر و کیفیت رابطه با کودک را بررسی کردند. نتایج پژوهش آنها نشان داد مادرانی که عملکرد انعکاسی بهتری دارند رابطه آنها با فرزندشان با کیفیت است. به عبارتی تعامل مثبت و بهتری با فرزند خود دارند، رضایت بیشتری از رابطه با کودک دارند، در مورد مسائل کودک درگیر می شوند و برایشان مهم است، محدودیت های منطقی دارند و از کودک خود حمایت می کنند.

نتایج تحلیل کانونی نشان داد که دو ترکیب متفاوت از متغیرهای پیش بین و ملاک با یکدیگر در ارتباط هستند. ترکیب متغیرهای کانون اول حاکی از آن است که وقتی مادران قادر نیستند حالت های ذهنی و احساسات کودک خود را تشخیص دهند و در کل علاقه ای به تشخیص آنها نیز ندارند بیشتر از روش های فشار آوردن و پاداش دادن برای خوردن غذا توسط کودک استفاده می کنند و معمولاً برای اینکه کودک آنها غذاهای مفید را بخورند و از غذاهای مضر دوری کنند کمتر خودشان این رفتارها را انجام می دهند و

عملکرد انعکاسی آنها شکل نگرفته است بُعد مهم دیگری تحت عنوان «دسترسی پذیری هیجانی» در آنها آسیب می بیند که مهمترین مفروضه و پیش نیاز برای درک احساسات و حالت های ذهنی کودک است. در واقع دسترسی پذیری هیجانی به معنای حضور روانی مادر برای کودک است نه حضور صرف فیزیکی. به عبارت دیگر نوعی پاسخگویی عاطفی مناسب و هماهنگ با نیازهای کودک است که در قالب آغوش باز مادر برای پذیرش هیجانات کودک اتفاق می افتد و تنها نوعی پاسخ مکانیکی به پریشانی کودک نیست (۲۴).

در همین راستا وینیکات از اصطلاح «نگه داشتن» استفاده می کند که شامل آغوش باز مادر برای مراقبت، حفظ فضای امن و مورد اعتماد برای کودک است (۲۵). در غیاب یک نگهدارنده ایمن به اندازه کافی خوب، کودک خردسال بیش از حد در معرض عوامل استرس زا و «ضربه ها» که از مراقب یا محیط وسیع تر می آید قرار می گیرد و در نتیجه حالت های شدید بیگانگی و اضطراب را تجربه می کند. در نبود این امنیت، اعتماد به دیگران و اعتماد به نفس به خطر می افتد و تجربه کودک از خود، با احساسات دردآور و منفعلانه، تکه تکه و متلاشی می شود. بنابراین کودک نمی تواند هویت شخصی منسجم و مستمری را شکل دهد (۲۵).

همچنین بیون از اصطلاح «گنجایش» استفاده کرده است که نشان دهنده توانایی ما در دریافت احساسات خام کودک و نگهداری آنها در درون خود و فکر کردن به آنها و درک انگیزه و علت این احساسات است. بیون معتقد است مادرانی که این توانایی را دارند می توانند احساسات خام کودک را به خوبی تحمل کنند، در برابر آنها دچار پریشانی و فروپاشی نشوند، به آنها فکر کرده و اقدامات مناسبی در برابر آنها انجام دهند (۲۶).

### نتیجه گیری

بنابراین با در کنار هم قرار دادن این نظریه ها و مشاهدات

نظریه پردازان مطرح و بزرگ می توان چنین نتیجه گیری کرد که مادران دارای دلبستگی ایمن دارای عملکرد انعکاسی، نگهداری و گنجایش هستند و به خوبی می توانند احساسات کودک را نگه دارند، به خاطر اینکه به لحاظ هیجانی برای کودک در دسترس هستند و حضور روانی و فیزیکی برای او دارند. این حاکی از آن است که این مادران از تعارضات درون روانی خیلی پیچیده ای برخوردار نیستند یا اینکه توانسته اند بر آنها غلبه کنند. در نتیجه فضای روانی کافی برای بودن برای کودک خود را دارند. به همین خاطر احتمالاً از شیوه های فرزندپروری بهتری برای تربیت کودک استفاده می کنند و در برخورد و تعامل با مسائل غذایی کودک اقدامات معقول تری دارند. این مادران از سبک های سالم تری برای غذا دادن به کودک استفاده می کنند. در نتیجه فضای تعامل مادر-کودک در وعده های غذایی پر از تعارض نخواهد بود. به همین خاطر کودکان کمتر دچار مشکلات خوردن و رفتارهای ناسالم تغذیه خواهند بود. چون همان طور که می دانیم اصولاً در متون روان شناسی به ویژه روانکاوی غذا را فقط غذا نمی بینند بلکه غذا و مشکلات و رفتارهای غذایی کودکان صرفاً نشانه و علامت است و از تعارضاتی پرده برمی دارد که در فضای ارتباطی با مادر شکل می گیرد.

### سیاسگزاری

پژوهش حاضر با دریافت شناسه اخلاق IR.IAU.ABHAR. REC.1400.007 از دانشگاه آزاد اسلامی واحد اهر انجام شده است. لذا تیم تحقیق از تمامی مسئولین محترم دانشگاه و افراد شرکت کننده در این مطالعه تشکر می نماید.

### تعارض منافع

هیچ گونه تعارض منافع در این پژوهش وجود ندارد.



## References

1. Goodman L.V RLT, Musher-Eizenman D.R. Mindful feeding: A pathway between parenting style and child eating behaviors. *Eating Behaviors*. 2020; 36, 101335. <https://doi.org/10.1016/j.eatbeh.2019.101335>
2. Daniels LA. Feeding Practices and Parenting: A Pathway to Child Health and Family Happiness. *Ann Nutr Metab*. 2019;74 Suppl 2:29-42. <https://doi.org/10.1159/000499145>
3. Hughes SO, Power TG, Orlet Fisher J, Mueller S, Nicklas TA. Revisiting a neglected construct: parenting styles in a child-feeding context. *Appetite*. 2005;44(1):83-92. <https://doi.org/10.1016/j.appet.2004.08.007>
4. Vollmer RL, Mobley AR. Parenting styles, feeding styles, and their influence on child obesogenic behaviors and body weight. A review. *Appetite*. 2013; 71:232-41. <https://doi.org/10.1016/j.appet.2013.08.015>
5. Kröller K, Warschburger P. Associations between maternal feeding style and food intake of children with a higher risk for overweight. *Appetite*. 2008; 51(1):166-72. <https://doi.org/10.1016/j.appet.2008.01.012>
6. Birch LL, Fisher JO, Grimm-Thomas K, Markey CN, Sawyer R, Johnson SL. Confirmatory factor analysis of the Child Feeding Questionnaire: a measure of parental attitudes, beliefs and practices about child feeding and obesity proneness. *Appetite*. 2001; 36 (3):201-10. <https://doi.org/10.1006/appe.2001.0398>
7. Yee AZ, Lwin MO, Ho SS. The influence of parental practices on child promotive and preventive food consumption behaviors: a systematic review and meta-analysis. *Int J Behav Nutr Phys Act*. 2017;14(1):47. <https://doi.org/10.1186/s12966-017-0501-3>
8. Nowicka P, Sorjonen K, Pietrobelli A, Flodmark CE, Faith MS. Parental feeding practices and associations with child weight status. Swedish validation of the Child Feeding Questionnaire finds parents of 4-year-olds less restrictive. *Appetite*. 2014;81:232-41. <https://doi.org/10.1016/j.appet.2014.06.027>
9. Mosli RH. Validation of the Child Feeding Questionnaire among Saudi pre-schoolers in Jeddah city. *Public Health Nutr*. 2020; 23 (4):599-608. <https://doi.org/10.1017/S1368980019002581>
10. Sleddens EF, Kremers SP, De Vries NK, Thijs C. Relationship between parental feeding styles and eating behaviours of Dutch children aged 6-7. *Appetite*. 2010;54(1):30-6. <https://doi.org/10.1016/j.appet.2009.09.002>
11. Demir D, Bektas M. The effect of childrens' eating behaviors and parental feeding style on childhood obesity. *Eat Behav*. 2017;26:137-42. <https://doi.org/10.1016/j.eatbeh.2017.03.004>
12. Mazzeo S.E MKSGCK, Bulik C.M. Parental Feeding Style and Eating Attitudes: Influences on Childrens Eating Behavior. *Current Nutrition & Food Science*. 2006;2(3). <https://doi.org/10.2174/157340106778017887>
13. Shloim N, Edelson LR, Martin N, Hetherington MM. Parenting Styles, Feeding Styles, Feeding Practices, and Weight Status in 4-12 Year-Old Children: A Systematic Review of the Literature. *Frontiers in psychology*. 2015; 6:1849-. <https://doi.org/10.3389/fpsyg.2015.01849>
14. Bateman A FP. *Psychotherapy for borderline personality disorder: mentalisation based treatment*. Oxford: Oxford University Press. 2004. <https://doi.org/10.1093/med:psych/9780198527664.001.0001>
15. Luyten P, Mayes LC, Nijssens L, Fonagy P. The parental reflective functioning questionnaire: Development and preliminary validation. *PLoS One*. 2017;12(5):e0176218. <https://doi.org/10.1371/journal.pone.0176218>
16. Gagliardini G, Gullo S, Tinozzi V, Baiano M, Balestrieri M, Todisco P, et al. Mentalizing Subtypes in Eating Disorders: A Latent Profile Analysis. *Frontiers in Psychology*. 2020; 11(3243). <https://doi.org/10.3389/fpsyg.2020.564291>
17. Redondo I, Luyten P. The mediating role of mentalizing between attachment and eating disorders. *Bull Menninger Clin*. 2018; 82 (3):202-23. <https://doi.org/10.1521/bumc.2018.82.3.202>
18. Rothschild-Yakar L, Levy-Shiff R, Fridman-Balaban R, Gur E, Stein D. Mentalization and relationships with parents as predictors of eating disordered behavior. *J Nerv Ment Dis*. 2010; 198 (7): 501-7. <https://doi.org/10.1097/NMD.0b013e3181e526c8>
19. Jewell T, Collyer H, Gardner T, Tchanturia K, Simic M, Fonagy P, et al. Attachment and mentalization and their association with child and adolescent eating pathology: A systematic

- review. *Int J Eat Disord*. 2016; 49(4):354-73. <https://doi.org/10.1002/eat.22473>
20. Pazzagli C, Germani A, Buratta L, Luyten P, Mazzeschi C. Childhood obesity and parental reflective functioning: Is there a relation? *International Journal of Clinical and Health Psychology*. 2019; 19 (3):209-17. <https://doi.org/10.1016/j.ijchp.2019.06.002>
21. Zeinali S M, M, Sadeghi M, Jabbari M. . The Relation between Mother-Child Attachment and Mothers Psychological Characteristics of Children with Eating Problems. *Journal of Developmental Psychology*. 2011; 8 (29):55-66. (Persian).
22. Seah E. Patterns of Attachment and Reflective Functioning in Families of Adolescents with Eating Disorders. PhD Dissertation, Curtin University 2015. <https://doi.org/10.1186/2050-2974-2-S1-P10>
23. Rostad W WD. The Association Between Reflective Functioning and Parent-Child Relationship Quality. *Journal of Child and Family Studies*. 2016; 25 (7): 2164-77. <https://doi.org/10.1007/s10826-016-0388-7>
24. Biringen ZC, Derscheid, D.J., Vliegen, N., Closson, L., & Easterbrooks, M.A. Emotional availability (EA): Theoretical background, empirical research using the EA Scales, and clinical applications. . *Developmental Review*. 2014; 34:114-67. <https://doi.org/10.1016/j.dr.2014.01.002>
25. Ogden TH. On holding and containing, being and dreaming. *Int J Psychoanal*. 2004; 85 (Pt 6): 1349-64. <https://doi.org/10.1516/T41H-DGUX-9JY4-GQC7>
26. Ferro F. *The Bi-Personal Field: EXPERIENCES IN CHILD ANALYSIS*. London, Routledge. 1999.